دفاع دبیرکل ایثارگران از رویکردهای دولت

گروه سیاسی: حسین فدایی دبیرکل جمعیت ایثارگران معتقد است «انتخابات سوم تیرماه سال گذشته، ادامه فرآیند آرایش سیاسی انقلاب است.» او که با خبرگزاری فارس گفت‌وگو کرده است، ضمن انتقاد تلویحی از ۱۶ سال گذشته، به تفکر کسانی پرداخت که «در درون نظام و در سیستم اجرایی معتقد بودند می‌توانند با الگوهای غربی و نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول کشور را اداره کنند. این فکر و اندیشه در دولت‌های ۱۶ سال گذشته تلاش زیادی داشت تا ثابت کند دین و گفتمان انقلاب اسلامی، پاسخگوی نیاز جامعه نیست بلکه این اندیشه غربی و لیبرالی است که می‌تواند نیازهای اداره جامعه را پاسخگو باشد.» او می‌گوید: البته در دوم خرداد سال ۷۶ نیز مردم میل به تحول، تغییر و اصلاح را از خود بروز دادند ولی آن جریان اصیلی که بتواند جواب این نیاز و میل به تحول و اصلاح مردم را بدهد نتوانست به خوبی سامان پیدا کند و لذا جریانی که ادامه‌دهنده آن مسیر اندیشه لیبرالی بود، آمد و سوار این موج خواسته مردم شد. درست است که ما در طول هشت سال بعد از سال ۷۶ هم فرصت‌های عظیمی را از دست دادیم ولی بعد از این هشت سال مردم دوباره این میل به تحول و اصلاح بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی را از خود نشان دادند و صحنه‌ای را آفریدند که برای همه شگفت‌آور بود.

عکس: حسن قائدی، فارس

■ رویکرد اصولگرایان در انتخابات

او درباره رویکرد جدید اصولگرایان در انتخابات ریاست‌جمهوری می‌گوید: یکی از کارهای اصولگرایان نیز این بود که آنها در الگوی انتخابات، تغییراتی دادند و برعکس قبل که صف‌آرایی نیروهای سیاسی در صحنه انتخابات مبتنی بر حضور دو کاندیدای مطرح از دو جریان سیاسی اصلی کشور بود، به این صورت تغییر دادند که با وارد کردن کاندیداهای متعدد صحنه انتخابات را به نفع خود تنظیم و مدیریت کردند.

■ تحلیلی از حضور هاشمی رفسنجانی در انتخابات

وی در خصوص حضور هاشمی رفسنجانی در انتخابات گفت: مردم پس از عملکرد هشت ساله دولت آقای هاشمی به شدت میل به تغییر برای تحول و اصلاح داشتند. این میل به تغییر میل به تغییر فرد نبود بلکه میل به تغییر گفتمان بود ولی جریان دوم خرداد نگذاشت این اتفاق بیفتد و مانع تغییر گفتمان شد و آمد گفتمان گذشته را با پرچم توسعه سیاسی استمرار بخشید و هیچ تغییری رخ نداد. ما خدمت خود آقای هاشمی هم عرض کردیم که یک گرایش و خواست جدیدی در جامعه رواج یافته است که باید آن را پاسخ داد و در خوشبینانه‌ترین حالت از مدت‌ها قبل از انتخابات پیش‌بینی ما این بود که آقای هاشمی رای زیادی نمی‌آورد و باید به خواسته مردم که توجه به انقلاب اسلامی است، پاسخ داد. اگر از ابتدا ما مشخص می‌کردیم که چه فردی کاندیدای اصلی ما است، یک حجم سنگینی از تخریب علیه وی اعمال می‌شد و چه بسا توان حضور و موفقیت در عرصه انتخابات را از دست می‌داد و ارائه سبدی از کاندیداها باعث شد این تاکتیک احتمالی دشمن و رقبا نیز خنثی شود. او تاکید می‌کند که کاندیدای حزب ایثارگران در انتخابات نهم پیروز نشد. زیرا «برای ما اینکه کدام کاندیدا برنده شود، خیلی مهم نبود که کدام یک از کاندیداهای اصولگرا در انتخابات پیروز شود. برای ما مهم این بود که یکی از کاندیداهای اصولگرا در انتخابات پیروز شود».

■ اختلافات در شورای هماهنگی نیروهای انقلاب

فدایی درباره اختلافات پیش‌آمده در شورای هماهنگی نیروی‌های انقلاب گفت: «تا مقطعی از زمان سر این مسئله که ما یک فرد را به عنوان کاندیدای اصولگرایان مطرح نکرده بلکه سبدی از کاندیداها را معرفی کنیم، اتفاق نظر بود. از مقطعی دیگر از زمان، بعضی از دوستان نیل از سبد کاندیداها به سوی کاندیدای واحد را مطرح می‌کردند که اختلاف سر این بود که کی این کار شود و تبعات سویی هم در نتیجه این اختلاف به وجود آمد.» او توضیح می‌دهد: «همه این منطق مشترک را قبول داشتند که کسی را به عنوان کاندیدای واحد انتخاب کنیم که مقبولیت مردمی بیشتری داشته باشد. البته در تشخیص اینکه کدام یک از کاندیداها اصول را رعایت کرده و واقعاً اصولگرا باشد نیز چالش و نظراتی وجود داشت که بعضی از کاندیداها رعایت درست اصول را هم نمی‌کنند ولی این مسئله محل بحث چالشی جدی نشد. ما در بین نظرات مختلف برای زمان رسیدن به کاندیدای واحد یک یا دو هفته بعد از ثبت‌نام را مناسب دیدیم و مثلاً آقای احمدی‌نژاد معتقد بود که باید در آستانه هفته آخر قبل از انتخابات کاندیدای واحد را انتخاب و معرفی کنیم.» او در خصوص انتخاب محمود احمدی‌نژاد در روزهای آخر گفت: «ما در ۷۲ ساعت آخر متوجه این مسئله شدیم ولی چون در اردیبهشت، موضع رسمی خودمان را اعلام کرده بودیم اگر در آن مقطع آخر، تصمیم خود را تغییر می‌دادیم، ممکن بود یک اغتشاش و اختلاف جدید به وجود بیاید و بیانگر یک نوع سیاسی کاری باشد.»

■ ارزیابی از عملکرد دولت

فدایی درباره عملکرد دولت محمود احمدی‌نژاد می‌گوید: اساساً آیا ۱۰ ماه زمان مناسبی برای ارزیابی عملکرد یک دولت است؟ در این مدت حداقل دو الی سه ماه معطوف به انتخاب افراد و همکاران می‌شود و دو الی سه ماه نیز معطوف به برنامه‌ریزی و سیاستگزاری می‌شود و عملاً دو الی سه ماه بیشتر از این ۱۰ ماه باقی نمی‌ماند و نمی‌شود ارزیابی درستی را از عملکرد دولت ارائه داد اما می‌شود ارزیابی مناسبی را از رویکردهای دولت ارائه داد. رویکردهایی را که دولت بر آن تاکید دارد و براساس آن در حال برنامه‌ریزی است، امروز قابل ارزیابی است. یکی از اصول مورد تاکید آقای احمدی‌نژاد، عدالت‌خواهی است. مسئله دیگر بحث کار و تلاش و مجاهدت در مدیران اجرایی است که کاملاً مشهود است و دولت بسیار پرکار است و مسئله بعدی جهت‌گیری دولت برای خدمتگزاری به مردم و همچنین مردمی بودن و ساده‌زیستی دولت است که کاملاً مشخص است. در مقام ارزیابی رویکردها و نه عملکردها می‌گویم که این رویکردها درست و صحیح است که خواسته عمومی مردم، خواسته اصلی رهبری، نظام و امام راه‌حل و مبتنی بر گفتمان اصیل انقلاب اسلامی است. او در پاسخ به این سئوال که در ترکیب هیات دولت عنوان می‌شود برخی وزرا متمایل به آقای هاشمی رفسنجانی هستند و برخی کاندیدای شورای هماهنگی اما از میان جمعیت ایثارگران کسی نیست، گفت: شورای هماهنگی را نباید به گروهی مشخص نسبت داد و به نظر من این مسئله درست نیست. شورای هماهنگی دورانش به سر رسیده، وظایفش را نیز انجام داده و در انحصار دسته و گروه و شخص خاصی هم نبود. در مورد ترکیب کابینه و نقش گروه و دسته و حزب نیز نمی‌توان قایل به دسته‌بندی دقیقی شد چون همه سلایق در دولت وجود دارد و همه یک گفتمان مشترک دارند و نباید آن سلایق مختلف آرام آرام به سمت صف‌آرایی پیش برود و اگر این اتفاق افتاد یقیناً گفتمان انقلاب اسلامی به خطر خواهد افتاد. رئیس جمهور نیز براساس همین گفتمان، ترکیب کابینه را تنظیم کرده و اگر کسی از اعضای کابینه این گفتمان را نادیده بگیرد به‌زعم من در کابینه جایی نخواهد داشت. البته ممکن است کسی در کابینه از کارآمدی لازم برخوردار نباشد اما موضوع صحبت من در مورد دیدگاه مشترکی است که در بین اعضای هیات دولت وجود دارد. با این نگاه اگر دنبال مصادیق برویم خیلی اختلاف نظر نمی‌بینم و تفاوتی ندارد که یک عضو هیات دولت، جزء جمعیت ایثارگران یا از اعضای جامعه مهندسین، جمعیت موتلفه و . . . باشد.

حمایت غیرمترقبه

منتقدان اصولگرای احمدی‌نژاد با وی همراه شده‌اند

درست در سالگرد سوم تیر، سالروز پیروزی «محمود احمدی‌نژاد» در انتخابات ریاست جمهوری، چند تن از منتقدان اصلی وی در جبهه راست با وی همراه شده‌اند. این همراهی از سوی طیفی صورت می‌گیرد که علی‌القاعده باید در همان انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته هم در جمع حامیان وی بودند، اما به دلایل مختلف ترجیح دادند از نامزدی «محمدباقر قالیباف» حمایت کنند. حمایتی که آن زمان گفته شد به علت موقعیت مناسب‌تر قالیباف در نظرسنجی‌های انتخاباتی بوده است. حمایت چهره‌هایی چون «احمد توکلی»، «عماد افروغ» و نیز تشکیلات جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی از نامزدی قالیباف، بیشتر از آن منظر غیرمترقبه بود که احمدی‌نژاد هم عضو شورای مرکزی جمعیت ایثارگران بود و هم شعارهای امثال توکلی و افروغ بیشتر به محتوای تبلیغات انتخاباتی او شباهت داشت تا شعارهای قالیباف. این رویکرد غیرمترقبه البته بی‌پیامد هم نبود. چنان‌که عملاً به نوعی نارضایتی در میان احمدی‌نژاد و حامیانش منجر شد و گلایه و فاصله‌ای را شکل داد که تا مدت‌ها ادامه یافت و حتی دامن زده شد. اظهارات مکرر احمدی‌نژاد علیه احزاب و شخصیت‌های سیاسی و تاکید توام با افتخار بر این امر که در انتخابات مورد حمایت هیچ یک از احزاب و گروه‌های سیاسی نبوده، کنایه‌ای به این دسته از همفکرانش را نیز با خود داشت؛ گرچه هدف اصلی آن، نفی تحزب و به‌ویژه تشکیلات ریشه‌دار دو جناح نظیر موتلفه، مشارکت، مجاهدین انقلاب و کارگزاران تلقی شد. اما آن حمایت از قالیباف، منجر به ریاست جمهوری وی نشد و احمدی‌نژاد در میان شگفتی موافقان و مخالفانش برجای خاتمی نشست. این اتفاق البته با تحلیل‌های متفاوتی مواجه شد. با تثبیت دولت نهم، فصل تعیین کابینه رسید. اینجا بود که حامیان قالیباف که نیروهای مورد تایید خود را در فهرست وزرای دولت جدید نمی‌یافتند و حتی چندان مورد مشورت قرار نگرفته بودند، به انتقاد ازکابینه پرداختند. این در حالی بود که طیف سنتی جریان راست به رهبری «محمدرضا باهنر» در مجلس، ظاهراً سهم مناسبی از دولت نصیب برده بود و در نتیجه، نه از در انتقاد که حمایت برآمد. چنین بود که چهره‌هایی چون «الیاس نادران»، «عماد افروغ» و «احمد توکلی» به اصلی‌ترین منتقدان کابینه پیشنهادی تبدیل شدند. نقدهایی که در مقاطع بعد ادامه یافت و به ویژه در جریان تصویب لایحه بودجه ۸۵ تکرار شد. در این میان، البته افروغ که چهره‌ای با وجهه دانشگاهی بیشتر و سیاسی کمتر است، نقدهایش صریح‌تر و دامنه‌دارتر بود و کمتر موضوع و مضمونی را در رابطه با دولت می‌توان سراغ گرفت که وی بی‌پرده‌تر از همه مجلسیان به نقد آن برنخیزد. با این حال، به نظر می‌رسد در آستانه سوم تیر اتفاقات تازه‌ای در جبهه راست رخ داده باشد که به حمایت طیف حامیان قالیباف از احمدی‌نژاد در عرصه‌های مختلف منجر شده است. اظهارات «حسین فدایی» دبیرکل جمعیت ایثارگران در نشست فصلی این تشکل که در آن، حمایت از دولت را «تکلیف» دانسته بود «حتی اگر تصور کنیم که احمدی‌نژاد دشمن ما است» و نیز نطق «الیاس نادران» عضو ارشد این تشکل در دفاع از دولت در برابر اصلاح‌طلبان نشانه‌های آشکاری در این زمینه است. حتی «احمد توکلی» نیز در مصاحبه‌ای با خبرگزاری فارس، به نوعی توجیه تئوریک را در مورد شکست قالیباف در برابر احمدی‌نژاد در انتخابات سال گذشته تدارک دیده است. او از مسائل مختلفی چون «فتوای مراجع» یا «احساس دو دل بودن قالیباف در قبال اقتدار احمدی‌نژاد» به عنوان زمینه‌های تغییر ناگهانی روند آرا از قالیباف به احمدی‌نژاد یاد می‌کند. تحلیلی که شاید در سالگرد سوم تیر بار دیگر به عرصه آمده باشد و بنابر خواست آن هم حمایت غیر مترقبه‌ای دیگر از سوی امثال توکلی و جمعیت ایثارگران شکل گرفته است. حمایتی که این بار نه متوجه قالیباف که احمدی‌نژاد است.

عدالت اجتماعی و هویت شهروندی

سجاد نوروزی

۱- ما در زمانه‌ای زیست می‌کنیم که عامل انفکاک گونه‌های مختلف زیست اجتماعی- سیاسی انسان‌ها در یک چیز خلاصه شده است: «هویت شهروندی». شهروند «Citizen» در نظر فلاسفه و جامعه‌شناسان چیزی ورای یک هویت صرف سیاسی یعنی «رای‌دهنده» است. فی‌الواقع شهروند و حقوق او بسیار فراتر از «حق رای» تحلیل می‌شود. بدین‌سان «شهروند» به مثابه ستون و شاکله یک زیست اجتماعی توسعه‌یافته و یک ساختار سیاسی دموکراتیک رخ عیان می‌کند. حقوق مدنی «Civil Riyht» به منزله حقوقی ورای حق طبیعی انسان و امری اساساً اجتماعی ناظر به توسیع حقوق انسانی از «امور زیستی- معیشتی» به مداخله در بافت اجتماعی- سیاسی است. از همین منظر، مفهوم «عدالت اجتماعی» در یک ارتباط تنگاتنگ تئوریک و پراتیک با حقوق مدنی، نشانگر غنای ذهنیت عمومی هر جامعه و حاکمان آن است. از همین انگاشتن در ایران همواره در مقوله‌ای به نام «حق رای» نام برده می‌شود. اما باید توجه داشت که حق رای تنها بخش کوچکی از حقوق شهروندی است. در واقع اگرچه می‌توان از حق رای به عنوان راهکار عادلانه برای توزیع منابع قدرت سیاسی در جامعه یاد کرد اما باید در این نکته نیز مداقه انجام داد که «حق رای» در بادی امر تنها بخشی از «عدالت سیاسی- اجتماعی» است، نه تمامیت آن. به بیانی دیگر آنچه به «حق رای» صبغه‌ای دموکراتیک می‌بخشد پاسداری از آن و مطالبه حقوقی است که در پیامد این مفهوم موضوعیت می‌یابد و همچنین لزوم «پاسخگویی نامحدود» به رای‌دهندگان است. این امور محتاج به روندهای اجتماعی- سیاسی است که ساختار اجتماعی- سیاسی ایران فاقد آن است. این امر جدا از آنکه به روندهای سیاسی در ایران هیئتی شیوه تعامل حاکمان و ملت نام برده شده است، اما نحوه ارتباط نهادهای حاکمیت با مردم و همچنین بهره‌مندی آحاد جامعه از مزیت‌های سیاسی- اقتصادی، تابعیت تامی از سویه‌های عادلانه نداشته. بی‌تردید آنچه که عدالت را در ابعاد اجتماعی محقق می‌کند، ضرورت یکسان انگاشتن تک‌تک کسانی است که در جامعه ایران عضویت دارند. از این یکسان انگاشتن در ایران همواره در مقوله‌ای به نام «حق رای» نام برده می‌شود. اما باید توجه داشت که حق رای تنها بخش کوچکی از حقوق شهروندی است. در واقع اگرچه می‌توان از حق رای به عنوان راهکار عادلانه برای توزیع منابع قدرت سیاسی در جامعه یاد کرد اما باید در این نکته نیز مداقه انجام داد که «حق رای» در بادی امر تنها بخشی از «عدالت سیاسی- اجتماعی» است، نه تمامیت آن. به بیانی دیگر آنچه به «حق رای» صبغه‌ای دموکراتیک می‌بخشد پاسداری از آن و مطالبه حقوقی است که در پیامد این مفهوم موضوعیت می‌یابد و همچنین لزوم «پاسخگویی نامحدود» به رای‌دهندگان است. این امور محتاج به روندهای اجتماعی- سیاسی است که ساختار اجتماعی- سیاسی ایران فاقد آن است. این امر جدا از آنکه به روندهای سیاسی در ایران هیئتی نامأوزون و ابتر می‌بخشد، به نوعی واجد بی‌تاثیر شدن «انتخاب سیاسی» نیز می‌شود. از منظری جامعه‌شناختی، دارندگان حق رای در ایران حتی آنهایی که جزء طبقه متوسط شهری و «تجددخواه» به شمار می‌آیند به این نکته بنیادین که «حق رای» همه حقوق آنها نیست چندان توجهی نشان نمی‌دهند. عمده جدل‌ها پیرامون «حق انتخاب» در هنگامه انتخابات به صورت عینی و تام وارد گفتمان سیاسی حوزه عمومی جامعه ایران می‌شود و پس از آن تا وقتی که منتخب خطای «بزرگی» را از دید رای‌دهندگان مرتکب نشود، اعتراضی صورت نمی‌گیرد. گویی «منتخب» هیچ‌گاه «انتخاب‌کننده‌ای» نداشته است.

۳- عدالت اجتماعی و رفاه اجتماعی یکی از پیامدهای طبیعی حراست و به رسمیت شناختن حقوق مدنی- شهروندی است. مطابق آنچه که پیشتر ذکر شد، عدالت اجتماعی هنگامی تحقق سیاسی- اجتماعی می‌یابد که «شهروندی» به مثابه یک هویت انکارناشدنی در متن جوامع بروز و ظهور یابد. دولت نهم جمهوری اسلامی ایران خود را دولت «عدالت‌محور» معرفی می‌کند. شخص رئیس‌جمهور «احمدی‌نژاد» در اکثر سخنرانی‌ها و سفرهای استانی خود از عدالت به عنوان اصلی‌ترین متد حکمرانی خویش یاد می‌کند و زیردستان و مدیران دولتش را به پاسداشت آن فرا می‌خواند. بنابراین اگر دولت می‌خواهد در اجرای عدالت و در همه ابعاد آن موفق ظاهر شود، ناگزیر از به رسمیت شناختن حقوق مدنی آحاد ملت است. مفهوم «حقوق شهروندی و مدنی» اگرچه سالیان گذشته توسط حاکمان اصلاح‌طلب در «لفظ» متعالی شمرده شد، ولی در «عمل» کمتر به آن التزام نشان دادند. حال این دولت که از لحاظ عقیدتی یک تفاوت ماهوی را با دولت‌های پیشین دارا است و خود را «اهل عمل» معرفی می‌کند، باید به درک این مهم نائل آید که حقوق مدنی ورای حقوق زیستی- معیشتی مردم و به مثابه پشتیبان آن جلوه‌گر می‌شود. اگرچه زیست متعادل اقتصادی در شرایط فعلی اصلی‌ترین خواست جامعه از دولت و شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین شکاف‌های اجتماعی در جامعه ایران است، اما هنگامی این شرایط زیستی- اقتصادی جامعه متعادل و مستحکم می‌شود که حقوق مدنی آنان نیز پاس داشته شود. حق مالکیت خصوصی و رفاه، پیوندی ناگسستنی با حقوق مدنی دارد. هنگامی انسان دارای «حق رفاه» خواهد شد که اساساً «حق مدنی» او به رسمیت شناخته شود. «انسان مرفهی که حقوق مدنی نداشته باشد» صرفاً در شرایطی به سر می‌برد که رفاه در آن کاملاً موقتی است. دولت‌هایی که خود را با عناوینی چون «سازندگی» و «اصلاحات» معرفی می‌کردند در عمل به حراست از حقوق مدنی وقعی ننهادند.[1] حال این دولت نیز آزاد و مختار است که به طریق آنان عمل کند. اما رئیس دولت باید توجه داشته باشد، او که دولتش را «دولت عدالت» نامیده است، اگر به حقوق مدنی توجهی نداشته باشد بازخواست تاریخی از او بیشتر از روسای دولت‌های پیشین است. عدالت لفظی است که شوق برمی‌انگیزد و شعف به پا می‌کند. نکند این شعفی که در اقشار محروم نمود یافته به سردی و یاس و کسالت گراید.

خلاصه یادداشت

۱- تحدید «حقوق و هویت شهروندی» در «حق رای» و تقلیل آن به تعلق خاطر به گروه‌های سیاسی مقوله‌ای است که امروزه در ایران اصلی‌ترین عامل تهدید حقوق شهروندی به شمار می‌آید.

۲- مفهوم «عدالت اجتماعی» در یک ارتباط تنگاتنگ تئوریک و پراتیک با حقوق مدنی، نشانگر غنای ذهنیت عمومی هر جامعه و حاکمان آن است.

۳- دولت‌هایی که خود را با عناوینی چون «سازندگی» و «اصلاحات» معرفی می‌کردند در عمل به حراست از حقوق مدنی وقعی ننهادند.

۴- اگر دولت نهم می‌خواهد در اجرای عدالت و در همه ابعاد آن موفق ظاهر شود، ناگزیر از به رسمیت شناختن حقوق مدنی آحاد ملت است.

پی‌نوشت:

۱- دولت‌های ۱۶ سال گذشته از مضامین «مدرن» برای محاورات سیاسی خود بهره می‌جستند و در عمل «ایستا» و گاه به ایستارهای اجتماعی التزام نشان می‌دادند. بدیهی است صرف بیان ممدوح بودن برخی از پرنسیب‌های والای حکمرانی، شرط شناسایی دولت‌ها به آن عنوان‌ها نخواهد شد.

جمع یا تفریق اسلام و دموکراسی

علی نیکونسبتی

چندی است که بخشی از اصلاح‌طلبان که اکنون از قدرت نیز خارج شده‌اند، انتقاد گسترده‌ای را علیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان آغاز کرده‌اند. واقعیت این است که این تقابل میان دانشجویان و سیاستمداران برای اولین بار نیست که به وقوع می‌پیوندد و بی‌شک آخرین نمونه آن نیز نخواهد بود و از همین روی شناخت دلایل این انتقادها خالی از لطف نخواهد بود. اکثر نقدهایی که از سوی این اصلاح‌طلبان صورت می‌گیرد را می‌توان معطوف به بحث هویت اسلامی در انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانست که پیش از این از موسوی‌خوئینی‌ها تا مشارکتی‌ها از آن یاد کرده‌اند. در کشوری که اسلام یکی از ارکان اصلی فرهنگی‌اش را تشکیل می‌دهد بحث مسلمان بودن فعالان عرصه سیاسی و اجتماعی سابقه طولانی دارد و از سیدجمال‌الدین اسدآبادی تا بسیاری از فعالان کنونی به بی‌دینی محکوم شده‌اند و بسیاری در سال‌های گذشته کوشیده‌اند با متهم کردن مخالفان خود به بی‌دینی از نفوذ آنان در میان توده مردم جلوگیری کنند. اما در این میان یک سئوال اصولاً بی‌پاسخ می‌ماند که منظور از اسلام چیست و مولفه‌های عمل اسلامی چیست؟ مسلماً نمی‌توان پاسخی برای این سئوال یافت که مورد قبول همگان باشد و اتفاقاً این مسئله تنها مسئله انجمن‌های اسلامی نیز نیست. آقای شیرزاد در قسمتی از مقاله خود می‌نویسد: «چگونه می‌توان پذیرفت که دانشجویی که نه در تفکر و نه در عمل روزمره خود کمترین پایبندی به تفکر و رفتار دینی ندارد، به دلیل ضرورت مبارزه سیاسی نام و عنوان انجمن اسلامی را با خود یدک کشد.» ایشان در حالی این مطلب را بیان می‌کنند که خود از ارائه هر ملاکی در زمینه دینداری افراد ناتوان‌اند و مانند سایر منتقدین دلیلی برای این حرف خویش ارائه نمی‌کنند ضمن این که جای این سئوال را نیز باقی می‌گذارند که چرا تمامی این منتقدین پس از خروج از قدرت به یاد این مسئله افتاده‌اند. بله، واقعیت این است که رفتار دانشجویان انجمنی در عمل و اعتقاد به مسائل دینی تفاوت چندانی نکرده است و آنچه تفاوت جدی کرده فاصله گرفتن آنان از اصلاح‌طلبان و انتقاد به رفتار آنها است و از همین رو است که علل این انتقادات را در جای دیگری باید جست. ریشه بسیاری از این انتقادات را باید در فاصله گرفتن دانشجویان از اصلاح‌طلبان دانست. اختلافاتی که به قبل از انتخابات اخیر ریاست جمهوری بازمی‌گردد. رفتار اصلاح‌طلبان در کوبیدن بر طبل تغییر ایدئولوژی دانشجویان را می‌توان به نوعی فرار به جلو نیز دانست. چرا که در واقع آنچه اصلاح‌طلبان حکومتی چند سالی از آن به عنوان تغییر ایدئولوژی دانشجویان یاد می‌کنند سئوال دانشجویان انجمنی است که از آن پرسیده‌اند: شما گفتید اصلاح‌طلبید پس اصلاح‌طلبی‌تان کو؟ و این بار دانشجویان انجمنی در عمل، اسلامی را می‌جویند که در آن جمع میان اسلام و دموکراسی، اسلام و حقوق بشر ممکن باشد و در پی حل معادله‌ای هستند که اصلاح‌طلبان حکومتی نشان دادند فقط تفریق آن را بلد هستند و در جمع آن عملاً ناتوان هستند.

خبرها

چرا حداد مفتاح است؟

آفتاب: چند نفر از فعالان اصولگرا از حضور پیاپی «غلامعلی حدادعادل» در کنگره احزاب این جناح به عنوان افتتاح‌کننده مراسم دفاع کردند. «مجتبی شاکری» رئیس کمیته سیاسی جمعیت ایثارگریان «جامعیت فکری و عدم عضویت رئیس مجلس هفتم در هیچ یک از احزاب اصولگرا» را دلیل مرجعیت وی در میان اصولگرایان دانست و گفت: «آقای حدادعادل پیش از این و در جریان برگزاری انتخابات مجلس هفتم و ریاست جمهوری نهم هم در ایجاد وحدت بین اصولگرایان نقش داشتند.» وی با بیان این مطلب که «حدادعادل یک شخصیت مقبول در میان اصولگرایان است»، افزود: «ایشان در تایید صلاحیت مجدد معین و مهرعلیزاده که کاندیداهای اصلاح‌طلبان در انتخابات گذشته بودند هم نقش خود را به خوبی ایفا کرد تا ثابت شود که چهره بانفوذی در مجموعه نظام و به‌خصوص در میان اصولگرایان هستند.» «مریم بهروزی» دبیرکل جامعه زینب که حداد در کنگره آن نیز سخنرانی کرد،

گفت: «بقیه احزاب و گروه‌های اصولگرا هم مجامعی داشته‌اند که آقای حدادعادل در آن شرکت نکرده‌اند اما این موضوع به هر حال نشان‌دهنده وجود هماهنگی فکری و عملی بین اصولگرایان است.» «محمدعلی شایسته‌نیا» عضو شورای مرکزی جامعه اسلامی مهندسین نیز که پنجشنبه گذشته حداد در آن کنگره سخنرانی داشت، «وجهه فرهنگی حدادعادل» را در حدی دانست که باعث مقبولیت وی حتی در میان اصلاح‌طلبان شده است. وی افزود: «جناب آقای حدادعادل به لحاظ تعادل، متانت و فرهیختگی به خوبی توانسته‌اند همگرایی را در میان اصولگرایان برقرار کنند. چهره فرهنگی آقای حدادعادل به چهره سیاسی ایشان می‌چربد و تلاش‌های ایشان در نهایت نتیجه می‌دهد.»

استراتژی اعتماد ملی برای ائتلاف

ایسنا: اسماعیل گرامی‌مقدم سخنگوی حزب اعتماد ملی با اشاره به تصویب ماده ۶ آئین‌نامه دفتر سیاسی حزب اعتماد ملی در جلسه یکشنبه شب شورای مرکزی این حزب گفت: براساس این ماده وضعیت و استراتژی حزب درخصوص ائتلاف در انتخابات‌ها مشخص می‌شود. وی با بیان این که در این جلسه خسروی رئیس کمیته مناطق حزب گزارشی از افتتاح دفاتر فارس و آذربایجان غربی ارائه داد، گفت: نوری شاهرودی سفیر سابق ایران در عربستان و عضو شورای مرکزی حزب در مورد آخرین تصمیمات پیرامون بسته پیشنهادی ارائه شده اروپا و رفت و آمدهایی که در ۱۰ روز اخیر به کشورهای خاوردور و همسایه جلب‌نظر می‌کند و محورهای اصلی این گفت‌وگوها سخنرانی کرد.

بازپرسی موسوی‌خوئینی و دیدار با خانواده

گروه سیاسی: «سید علی اکبر موسوی خوئینی» روز یکشنبه در شعبه ۱۳ بازپرسی دادگاه انقلاب مستقر در مجتمع قضایی دادگاه‌ها و دادسرای انقلاب تهران حضور پیدا کرد. «محمد شریف» وکیل مدافع دبیرکل سازمان دانش‌آموختگان ایران اسلامی در این باره به ایسنا گفت: «در این جلسه اتهام نشر اکاذیب با هدف تشویش اذهان عمومی به موکلم تفهیم شد و در مورد این اتهام پرسش و پاسخ‌هایی صورت پذیرفت.» از سوی دیگر، اعضای شورای منطقه تهران جبهه مشارکت و نیز خانم «معصومه شفیعی» عصر روز یکشنبه به دیدار خانواده «علی اکبر موسوی خوئینی» دبیرکل سازمان ادوار تحکیم و نماینده مجلس ششم که در بازداشت به سر می‌برد، رفتند. به گزارش آفتاب، همسر موسوی خوئینی در این دیدار از ملاقات با موسوی خوئینی در ساعت ۵ بعدازظهر روز یکشنبه در محل دادسرای تهران واقع در خیابان معلم خبر داد. به گفته همسر موسوی خوئینی وی کاملاً سرحال و خوب به نظر می‌رسیده است. به گفته همسر این فعال سیاسی، موسوی خوئینی در بند ۲۰۹ زندان اوین و در یک سوئیت دو نفره نگهداری می‌شود. موسوی خوئینی با لباس شخصی و بدون دستبند با خانواده‌اش دیدار کرده است.

دیدار وکلای منصور اصانلو با وی

ایلنا: وکلای مدافع منصور اصانلو بازداشت شده حوادث اخیر سندیکاهای شرکت واحد اتوبوسرانی پس از شش ماه توانستند برای اولین‌بار با موکل خود دیدار کنند. پرویز خورشید وکیل منصور اصانلو با بیان این مطلب گفت: روز گذشته بنده به همراه یوسف مولایی توانستیم با موکل خود برای اولین‌بار در زندان اوین ملاقات کنیم. خورشیدی درخصوص موضوع فک یا تبدیل بازداشت موقت منصور اصانلو گفت: در این مورد ما منتظر اعلام نظر دادگاه انقلاب برای تعیین وقت رسیدگی و تعیین تکلیف این دادگاه برای تبدیل قرار بازداشت موکلمان هستیم.

زن در متون مقدس

شرق: پنجمین جلسه از سلسله جلسات زن در متون مقدس با بحث زن در ادیان هندی توسط رضا علیجانی در روز چهارشنبه، هفت تیر از ساعت ۱۷/۳۰ در سالن کتابخانه حسینیه ارشاد آغاز خواهد شد.

خبرها

دلایل مخالفت موتلفه با احزاب لیبرال دموکرات

آفتاب: «محمدنبی حبیبی» دبیرکل موتلفه در پاسخ به اظهارات سران حزب کارگزاران درباره مشی لیبرال دموکرات این حزب، بار دیگر بر گفته‌های خود در اثبات تناقض اسلام با لیبرالیسم و سوسیالیسم تاکید کرد و گفت: «لیبرال دموکراسی یا سوسیال دموکراسی در پس معنای لغوی خود، یک بعد قوی فلسفی و ایدئولوژیک دارند که اگر به این بعد توجه شود، درمی‌یابیم که این واژه‌ها در موارد متعدد و در مبنا با تفکرات اصیل اسلامی در تناقض هستند.» وی با اشاره به جریان‌های لیبرال دموکرات در غرب و تضاد آشکاری که رهبران این جریان‌ها بین دین و سیاست برقرار می‌بینند، افزود: «وقتی سردمداران این جریان به لائیک بودن خود افتخار می‌کنند، چطور یک حزب مسلمان که خود را پایبند به قانون اساسی، خط امام و ولایت فقیه می‌داند از ایدئولوژی آنها دفاع می‌کند؟» دبیرکل حزب موتلفه لیبرالیسم و سوسیالیسم را حتی با اساسنامه خود احزاب ایرانی که ادعای آن را دارند در تضاد دانست و گفت: «اصرار بر استفاده از مفاهیم وارداتی غربی کار نادرستی است زیرا ما به علت برخورداری از مفاهیم غنی اسلامی به هیچ عنوان احتیاجی به واژه‌های فلسفی و ایده‌های غیراسلامی نمی‌بینیم.» حبیبی با اعتراض مجدد به احزابی که خود را سوسیال دموکرات یا لیبرال دموکرات مسلمان می‌دانند، خاطرنشان کرد: «من تعجب می‌کنم چطور می‌توان این مفاهیم و دین مبین اسلام را با هم مشترک کرد؟ در دین اسلام مفاهیمی به مراتب غنی‌تر، بهتر، مفیدتر و آزادانه‌تر نسبت به واژه‌های غربی وجود دارد.»

انصار حزب‌الله قانون پیشنهاد داد

ایسنا: مجتبی کشانی عضو شورای مرکزی انصار حزب‌الله در جلسه هفتگی این تشکل گفت باید قانون جدیدی تصویب شود که به موجب آن، افرادی که در جریان رسیدگی به پرونده‌های کلان اقتصادی اعمال نفوذ می‌کنند به دادگاه کشانده شوند. وی تصریح کرد: «زمانی که مردم بدانند دستگاه قضایی برخی جریان‌های سودجو را ریشه‌یابی کرده و آنها هم در جهت مقابله، اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور را ملتهب کرده‌اند، مردم قطعاً به حمایت از دستگاه قضایی می‌پردازند و جلوی این موج منفی روانی را می‌گیرند.»

حضور وزیر اقتصاد در جلسه ایثارگران

ایسنا: روز شنبه «داوود دانش‌جعفری» وزیر اقتصاد و دارایی در جلسه شورای مرکزی جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی حضور یافت و به تشریح سیاست‌های اقتصادی دولت پرداخت. به گفته «لطف‌الله فروزنده» قائم‌مقام جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی، ارزیابی پایانی جلسه مورد اشاره این بود که روند فعالیت‌های اقتصادی دولت مثبت و در راستای ایجاد عدالت‌محوری است.

پوپولیسم به ۱۸ تیر برمی‌گردد

آفتاب: «مجتبی همدانی» مدیرمسئول نشریه «شما» ارگان حزب موتلفه اسلامی گفت: «واژه پوپولیسم به ابزار دست گروه‌های دیکتاتورمآب و انحصارطلب و در جهت مقاصد سیاسی آنها تبدیل شده است.» وی با انتقاد از طرح اتهام «پوپولیست» به دولت جدید از سوی اصلاح‌طلبان توضیح داد: «در گذشته هرگاه مردم در جهت خواست گروه‌های انحصارطلب حرکت می‌کردند به آنها توده‌آگاه و با دانش گفته می‌شد اما هرگاه میان مردم در خلاف جهت این گروه‌ها اقدام می‌کردند، به آنها ناآگاه و فریب‌خورده گفته می‌شد. اصطلاحاتی از قبیل ناآگاه و فریب‌خورده اکنون جای خود را به واژه غربی پوپولیسم داده که چندان برای مردم مفهوم نیست.» وی گفت: «ابداع واژه پوپولیس